

## تجارت سنگ‌های نیمه‌قیمتی دره رود سند با فلات ایران و بین‌النهرین (از هزاره سوم تا هزاره اول پیش از میلاد)<sup>۱</sup>

فاطمه بداغ‌آبادی<sup>۲</sup>

### چکیده

شناخت و استفاده از سنگ‌های نیمه‌قیمتی پیشینه‌ای هفت‌هزار ساله دارد. این سنگ‌ها در دوران تاریخی مختلف مورد استفاده بسیاری از دولت‌شهرها در خاور نزدیک بوده؛ در میان مردمان خاور نزدیک، استفاده از سنگ‌های نیمه‌قیمتی نمایانگر قدرت، ثروت و تشخیص پادشاهان و کاهنان معابد بوده و از آنها در کاخ‌ها، معابد و حتی گورستان شاهان استفاده می‌شده است. کاهنان معابد و پادشاهان در بین‌النهرین به دلیل فقدان منابع معدنی، بسوی فلات ایران و دره رود سند راه تجارت خود را پیش گرفته و از این‌رو تجارت، باعث پررنگ‌تر شدن محوطه‌هایی که بر سر این راه‌ها بودند، شد. سنگ‌های نیمه‌قیمتی از طریق مسیرهای تجارتي از دره رود سند به سرزمین‌های فلات ایران، بین‌النهرین، آناتولی و مصر صادر می‌شده است. بنابراین، در مقاله حاضر کوشش شده تا به این پرسش که سنگ‌های نیمه‌قیمتی چه نقشی در تجارت خاور نزدیک (دره رود سند با فلات ایران و بین‌النهرین) در بازه زمانی هزاره سوم تا هزاره اول پیش از میلاد داشته‌اند؟ پاسخ داده شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که سنگ‌های نیمه‌قیمتی به دلیل اینکه جزء کالاهای شأن‌زا بوده‌اند و بعنوان اشیاء زینتی و آئینی در مراسم مذهبی یا اجتماعی استفاده می‌شده است، موجب پررنگ شدن مسیرهای تجارتي و به وجود آمدن محوطه‌های زیادی شده‌اند. همچنین پراکندگی دولت‌شهرهای باستانی در منطقه خاور نزدیک براساس مسیرهای تجاری کاروان‌های بازرگانی که از آنجا عبور می‌کرده‌اند، شکل گرفته که موجب پدید آمدن تعداد زیادی از محوطه‌های باستانی در کنار جاده‌های اصلی که شاه‌رگ تجارت بوده‌اند، شده است.

**واژگان کلیدی:** سنگ‌های نیمه‌قیمتی، تجارت، مسیرهای بازرگانی، خاور نزدیک

<sup>۱</sup> این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «تجارت سنگ‌های نیمه‌قیمتی از هزاره سوم تا هزاره اول پیش از میلاد در خاور نزدیک» است. استاد راهنما: سیدمهدی موسوی کوهپر؛ استاد مشاور: سرور خراشادی

<sup>۲</sup> کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی دوران تاریخی، دانشگاه تربیت مدرس F\_bodaghabadi@modares.ac.ir

## مقدمه

مبادله پایاپای (تهاتر) میان جوامع باستان نخستین شیوه تجارت در پیش از تاریخ بوده است. با گسترش جوامع نیاز آنها به کالاها و مواد خام بیشتر و متنوع‌تر و همچنین ساخت وسایل حمل و نقل، تجارت و مبادله در مسیرهای طولانی میسر شد و جوامع توانستند به کالاها و مواد خامی دسترسی پیدا کنند که کیلومترها دورتر از مکان‌های اولیه آنها بود. باستان‌شناسان وجود مواد خامی که بومی منطقه نیست و یا وجود کالایی که به قدری خوب ساخته شده که نمی‌تواند محلی باشد را نشان از مبادله فرامنطقه‌ای می‌دانند. سنگ‌های نیمه‌قیمتی مانند: سنگ لاجورد، صابون، فیروزه، مرمر و کالاهای دست‌سازمانند ظروف سنگی از جمله اشیائی بودند که بین جوامع رد و بدل می‌شد. وجود مقادیر زیادی از اشیاء تجملی و اشیائی که در مراسم ویژه مذهبی و اجتماعی بکار برده می‌شدند ولی برای زندگی روزمره ضروری نبودند در مقبره‌ها و آرامگاه‌ها یافت شده‌اند (علیزاده، ۱۳۷۲: ۶). در این مقاله به این پرسش برخورد می‌کنیم که سنگ‌های نیمه‌قیمتی چه نقشی در تجارت دره‌ی رود سند با فلات ایران و بین‌النهرین در بازه زمانی هزاره سوم تا هزاره اول پیش از میلاد داشته‌اند؟ پاسخی که می‌توان برای این پرسش مطرح کرد، سنگ‌های نیمه‌قیمتی به دلیل اینکه جزء کالاهای شأن‌زا بوده‌اند، موجب پررنگ شدن مسیرهای تجارتي و به وجود آمدن محوطه‌های زیادی شده‌اند.

کشف تعداد زیادی از سنگ‌های نیمه‌قیمتی به‌ویژه سنگ لاجورد، عقیق، فیروزه و یشم توجه باستان‌شناسان و پژوهشگران را به شناسایی و منشأ معادن آنها، نحوه ارتباطات، مبادلات تجاری و مسیرهای ارتباطی بین دره‌ی رود سند، فلات ایران و بین‌النهرین جلب کرده است (پاتس، ۱۳۹۵: ۲۰۸-۲۰۶). به نظر می‌رسد، برخی مواد اولیه از مناطق دارای منابع خاص بدست می‌آمده و سپس از طریق شبکه‌های تجاری از راه دور به مصرف‌کنندگان مناطق دوردست در خاور نزدیک صادر می‌شده است همین امر مسبب رشد و شکوفایی مسیرهای تجاری هزاره سوم تا هزاره اول پیش از میلاد شده است. ساکنان شهری که تغذیه آنها متکی بر مازاد محصول غذایی تولیدکنندگان کشاورز بود، به‌علت مازاد محصول یک شهر و نیاز یک شهر دیگر به این غذا یا صنایع دستی کم‌کم راه‌ها نقش پررنگ‌تر در تمدن‌ها ایفا کردند. پیدایش و گسترش تجارت اشیاء شأن‌زا با مناطق دوردست بخش دیگری از ذخیره مازاد محصول اجتماعی صرف خرید مواد خام وارداتی می‌گردید که برای مصارف صنعتی و تزئین کاخ‌ها و معابد بکار می‌رفت. این مواد در محل یافت نمی‌شد. بنابراین مبادلات برون‌منطقه‌ای و تجارت با مناطق دوردست از ویژگی‌های تمدن‌های اولیه بوده است (مجیدزاده، ۱۳۹۲: ۱۵). سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی به دلیل زیبایی رنگ، کمیاب بودن و دوام و سختی بالا دارای ارزش مادی فراوانی هستند. سنگ‌هایی مانند: الماس، یاقوت‌های سرخ و کبود، زمرد و غیره را سنگ‌های قیمتی (گران‌بها)، و آن دسته از سنگ‌هایی که فاقد تمام و یا قسمتی از خصوصیات فوق باشند اما به دلیل زیبایی، رنگ، نیمه‌شفاف بودن و یا سختی به نسبت بالا مورد توجه و علاقه مردم باشند را سنگ‌های نیمه‌قیمتی گویند. در

گذشته فقط معدودی از این سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی شناخته شده بود ولی امروز بر تعداد انواع آنها افزوده شده است (ادیب، ۱۳۹۲: ۲۰). شاخصه سنگ‌های نیمه‌قیمتی را می‌توان از سختی، وزن مخصوص، خواص نوری، رنگ، تغییر رنگ، شفافیت، جلا، ناخالصی‌ها، تراش و حکاکی روی سنگ شناسایی کرد. روآج<sup>۱</sup> در رساله دکترای خود مهرهای ایلامی از ۳۵۰۰-۱۰۰۰ پیش از میلاد، به جنس مهرهای مسطح و استوانه‌ای در این دوره پرداخته است و در یک جدول به تفصیل توضیح داده شده است. سنگ‌هایی که در خاور نزدیک باستان مورد استفاده پادشاهان، کاهنان معابد، اشراف و بزرگان قرار می‌گرفت بیشتر از سنگ‌های نیمه‌قیمتی مانند: سنگ آهک، سنگ مرمر، ماسه سنگ، سنگ لاجورد، سنگ بازالت، سنگ استاتیت، سنگ کوارتز، جاسپر، سنگ گچ/آلباستر، سنگ آراگونیت، سنگ هولاندیت، سنگ هماتیت، سنگ سرپنتین و سنگ شیست بود (Roach, 2008: 346)؛ و نیز در خاور نزدیک باستان نیز سنگ‌هایی مانند سنگ پروفیلی، سنگ تالک، سنگ فیروزه، سنگ کارنلیان، سنگ کالسدونی، سنگ کلریت، سنگ کلسیت، سنگ لازولیت و سنگ یشم از محوطه‌های بسیاری بدست آمده که بیشتر آنها از سمت شرق خاور نزدیک یعنی دره‌ی رود سند به سمت غرب حمل و داد و ستد می‌شده‌اند.

جدول ۱) سنگ‌های نیمه‌قیمتی

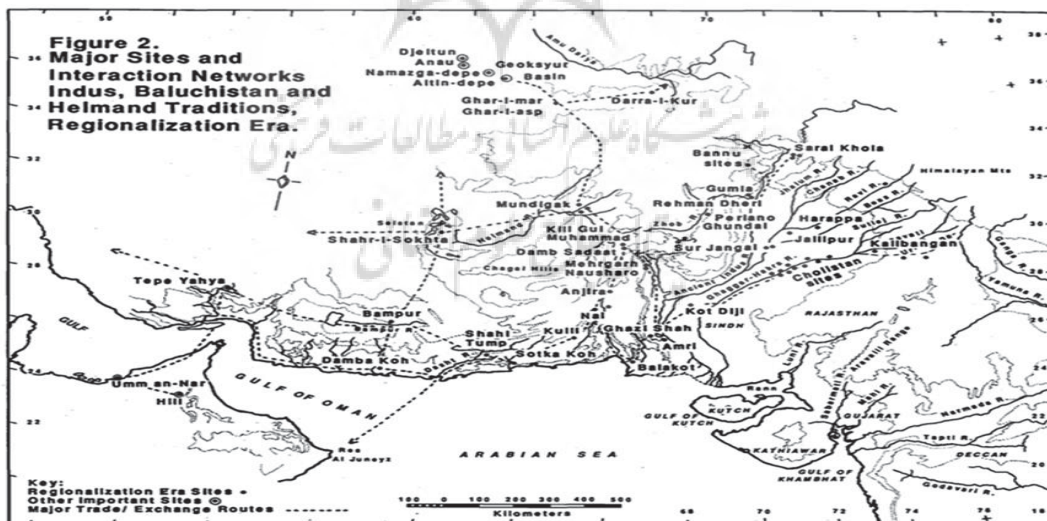
ردیف	نام سنگ به فارسی	نام سنگ به انگلیسی
۱	آراگونیت	Aragonite
۲	آهک	Limestone
۳	استاتیت (سنگ صابون)	Steatite
۴	بازالت	Basalt
۵	پورفیری	Porphyry
۶	تالک	Talc
۷	جاسپر	Jasper
۸	سرپنتین (مارپیچ)	Serpentine
۹	شیست	Schist
۱۰	عقیق	Agate
۱۱	عقیق آمازونیت	Amazonite
۱۲	عقیق خزه‌ای	moss agate
۱۳	فیروزه	Turquoise

<sup>1</sup> Roach

Carnelian	کارنلیان	۱۴
Chalcedony	کالسدوننی	۱۵
Chlorite	کلریت	۱۶
Calcite	کلسیت	۱۷
Rock Crystal	کوارتز	۱۸
Alabaster/Gypsum	گچ / آلباستر	۱۹
Lapis lazuli	لاجورد	۲۰
Lazulite	لازولیت	۲۱
Marble	مرمر	۲۲
Hematite	هماتیت	۲۳
Heulandite	هولاندیت	۲۴
Jade	یشم	۲۵
Sandstone	ماسه سنگ	۲۶

### ۱- تجارت دره رود سند با فلات ایران

۱۲۲ شبکه‌های تبادل گسترده‌ای که منطقه بزرگ دره‌ی رود سند را به مناطق غرب آسیا، شرق ایران و راجستان متصل می‌سازد، تعیین کننده نقش اصلی در پراکندگی فن‌آوری‌های مختلف است (Kenoyer, 1997: 109).



نقشه ۱) محوطه‌های اصلی و شبکه‌های راه از دره‌ی رود سند به سمت فلات ایران و غرب (Kenoyer, 1997: 110)

در منطقه هاراپا تنوع منطقه‌ای سنگ‌های زیبا و باارزش و مواد معدنی وجود دارد. این منابع شاید برای ساخت اشیاء تزئینی و علاقه مردم هاراپا به ساخت چنین ظروف یا وسایل آرایشی بوده است. به‌تازگی مطالعه بر روی سنگ‌ها و خاک منطقه، همراه با یافته‌های اشیاء دست‌ساخت سنگی از محوطه‌های باستانی مانند هاراپا به دست آمده در این ناحیه انجام گردیده است. آنالیز انجام شده بر روی نمونه‌های مهر و موم و اشیاء گوناگون سنگی، نشان می‌دهد که مردم هاراپا از سنگ‌ها و معادن معدنی در گجرات استفاده می‌کردند. تمدن دره رود سند<sup>۱</sup>، تمدنی که در عصر برنز در ناحیه رودخانه سند از ۲۶۰۰-۱۹۰۰ پیش از میلاد مردمان ساکن بودند. مطالعات هزاران اشیاء سنگی که بیشتر از مکان‌های تمدن هاراپا کشف گردید، مدارک جدید ارزشمندی از استفاده از منابع سنگ و تجارت طی دوره زمانی مشخص را نشان می‌دهد. مواد خام از قبیل: سنگ صابون و سنگ عقیق که شاید از نواحی مختلف در آن منطقه به دست آمده است. در ادامه مطالعات مدارکی دال بر راه‌ها و ارتباطات تجاری بسیار گسترده جهت انتقال سنگ‌ها به مصرف‌کنندگان در سرتاسر تمدن دره رود سند کشف گردیده است. گجرات باستان را می‌توان نقطه آغازین ایجاد شبکه تجارت درون منطقه‌ای مواد خام و سیستم حمل و نقل دانست (Law, 2013: 319). منطقه باستانی گجرات نقطه شروع چندین ماده خام بین منطقه‌ای بود که شبکه‌های تجارت مواد خام را به مناطق دیگر ارسال می‌کردند.

۱۲۳



تصویر ۱) C- بستر رودخانه محار<sup>۲</sup> در نزدیکی کاپادوانج<sup>۳</sup> D- سنگ عقیق کاپادوانج (Law, 2013: 322).

<sup>1</sup> Indus

<sup>2</sup> Mohar

<sup>3</sup> Kapadvanj

در مجاورت شهرهای بهاونگار و گوگا که با مناطق راتانپور ارتباط دارند سنگ‌های عقیقی یافت شده که فقط برای ساختن مهره‌های بسیار کوچک مناسب بودند. زیرا بزرگترین قطعه سنگ فقط سه سانتیمتر دیده شده است (Law, 2013: 322-324). در منطقه گجرات، بررسی‌های زمین‌شناسی از دو روستای کندک<sup>۱</sup> و مرداک‌بت<sup>۲</sup> دارای سنگ‌های نیمه‌قیمتی، نشان می‌دهد که، روستای کندک یک منبع عقیق بسیار عالی است که در ۷۰ کیلومتری شهر هاراپا واقع شده است. سنگ‌های عقیق کارنلیان، سنگ عقیق قهوه‌ای متمایل به زرد، کالسدونی روشن و عقیق خزه‌ای رنگ دیده می‌شوند. در روستای مرداک‌بت سنگ‌های عقیقی موجود است که فراوان‌ترین آن عقیق زرد متمایل به قهوه‌ای، کارنلیان، کالسدونی روشن و عقیق خزه‌ای رنگ است و همچنین عقیق قهوه‌ای و سفید نیز یافت شده است (Law, 2013: 327). در منطقه گجرات تنها تعداد کمی از منابع سنگ عقیق کارنلیان استفاده شده، که برای ساختن مهره‌های سبک هاراپا به دست آمده است. منابع مهمی تاریخی در راتانپور و کاپادوانج<sup>۳</sup> در شرق گجرات و در کندک و مرداک‌بت در کاجچ<sup>۴</sup> یافت شده است. مدت‌ها تصور بر این بود که هاراپا سنگ عقیق کارنلیان را در درجه اول از راتانپور تهیه می‌کرده است؛ اما در منطقه کاجچ دسترسی آسان‌تر بوده و مردمی که در شمال گجرات، ساکن این تمدن بودند بطور گسترده سنگ‌های نیمه‌قیمتی را به دست مصرف‌کنندگان هاراپا در دره‌ی رود سند می‌رساندند. منشأ سنگ‌های نیمه‌قیمتی با کاوش در هفت محوطه باستانی در سراسر منطقه دره‌ی رود سند، هاراپا و پنجاب<sup>۵</sup>، راخیگارهی<sup>۶</sup> در هاراپا، موهنجودارو و چانادورا<sup>۷</sup> در دره‌ی رود سند، نوشارو در بلوچستان و ذولاویرا<sup>۸</sup> و ناگاوادا در گجرات انجام گرفت. تجزیه و تحلیل از نمونه‌های سنگ‌های عقیق در منابع هند، پاکستان و ایران نشان می‌دهد که گجرات محل توزیع به سرتاسر منطقه هاراپا بوده است. فقط مقادیر کمی از راتانپور شناسایی شده که به هاراپا ارسال می‌کردند پس شاید راتانپور یک منبع جزئی در دوره هاراپا بوده است. بیشتر سنگ‌های نیمه‌قیمتی به بندر لوتال که یک منطقه بازرگانی بود، حمل می‌شد. بازرگانان از بندر لوتال - که در مسیر دره رود سند به بین‌النهرین بوده - بازرگانی می‌کردند. بسیاری از مهره‌های کارنلیان که از سنگ‌های راتانپور به دست آمده و به سبک هاراپا از محوطه هاراپا یافت شده را می‌توان در خلیج فارس و خاور نزدیک نیز یافت. سنگ آهکی که در اطراف معادن محوطه ذولاویرا به دست آمده در محوطه هاراپا نیز یافت شده است. از محوطه ذولاویرا این سنگ‌ها را به مناطق هاراپا منتقل می‌کرده‌اند، اما فاصله بین این دو محوطه حدود ۸۰۰ کیلومتر بود و

<sup>1</sup> Khandek

<sup>2</sup> Mardak Bet

<sup>3</sup> Kapadvanj

<sup>4</sup> Kachchh

<sup>5</sup> Punjab

<sup>6</sup> Rakhigarhi

<sup>7</sup> Chanhu - Daro

<sup>8</sup> Dholavira

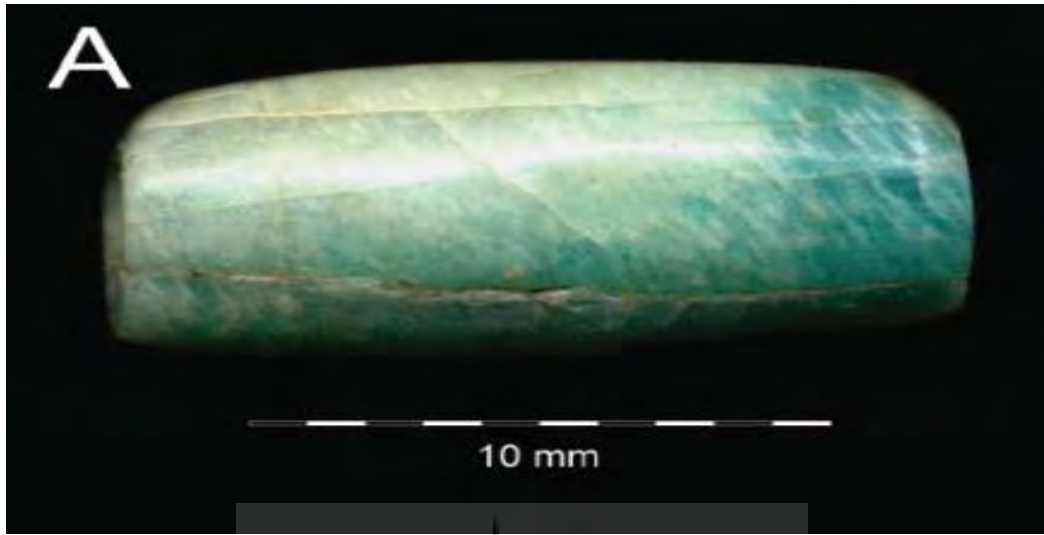
سنگ‌های آهکی که از محوطه هاراپا به دست آمده وزنی حدود ۱۲۵ کیلوگرم داشتند. جابجایی این سنگ‌ها در آن زمان کار بسیار سختی بود و برای این کار از مسیر رودخانه سند برای حمل و نقل این سنگ‌ها استفاده می‌شده است (Law, 2013: 328).



تصویر ۲) C- در محوطه ذولاویرا سنگ‌های که از معدن بیرون آورده شده‌اند. D- سنگ آهک از موهنجودارو. E- سنگ‌های آهکی از هاراپا (Law, 2013: 330).

سنگ‌های عقیق آمازونیت<sup>۱</sup> که در محوطه هاراپا به دست آمده، مکنناش آنها را جزء سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی عنوان کرده است (Mcintosh, 2008: 162). سنگ عقیق آمازونیت در رنگ‌های سبز، سفید و آبی در محوطه‌های زیادی از جمله موهنجودارو یافت شده‌اند (Law, 2013: 329). در روستای درول سنگ ریزه‌های آمازونیتی در حجم بسیار زیادی به دست آمده، و نیز مهره‌های آمازونیت در محوطه هاراپا و صدها قطعه از ذولاویرا نیز یافت شده است. این نشان می‌دهد که گجرات شمالی شاید منبع اصلی این سنگ در دوران هاراپا بوده است (Law, 2013: 331).

<sup>1</sup> Amazonite



تصویر ۳) مهره آمازونیت از هاراپا (Law, 2013: 332).

نقشه ۲ مسیره‌های نقل و انتقال سنگ و فلز هاراپا را نشان می‌دهد که از گجرات آغاز می‌شود. براساس نقشه سنگ عقیق کارنلیان (خط قرمز) در اکثر موارد در ناحیه کچاچ و به مقدار کمتر از رسوبات مکشوفه در ناحیه راتانپور به ناحیه هاراپا، راخیگاری<sup>۱</sup>، نوشارو<sup>۲</sup>، موهنجودارو، چانودارو<sup>۳</sup>، ذولاویرا<sup>۴</sup> و نگوادا<sup>۵</sup> تجارت می‌شده است.

۱۲۶



نقشه ۲) شبکه‌های تبادل سنگ و فلز هاراپا را که منشاء آن در گجرات است (Law, 2013: 332).

- <sup>1</sup> Rakhigarhi
- <sup>2</sup> Nausharo
- <sup>3</sup> Chanhu-Daro
- <sup>4</sup> Dholavira
- <sup>5</sup> Nagwada



سنگ آهک (خط زرد) از ناحیه شمالی کچاچ به قسمت شمالی منطقه هاراپا حمل می‌شد، سرانجام سنگ صابون از شمالی‌ترین بخش ایالت گجرات توسط مردمان هاراپا در منطقه نگوادا، ذولاویرا و چانودارو (Bagasra) استفاده می‌شده است. شاید سنگ‌ها و منابع ذکر شده در نقشه در سرتاسر خاور نزدیک بصورت تجارت درون مرزی و برون مرزی انجام می‌گرفته است. پیش‌بینی می‌شود که صنعتگران و جواهرسازان هاراپا در سرتاسر ناحیه دره رود سند از عقیق کارنلیان که در گجرات یافت می‌شود به منظور ساخت وسایل تزئینی استفاده می‌کردند. علاوه بر این، سنگ‌های عقیق که کمابیش از منطقه کچاچ استخراج می‌شده با سنگ عقیق که از ناحیه راتانپور به دست می‌آمده، بطور کامل متفاوت است. در تحقیقات به عمل آمده این موضوع ثابت شده که مردمان هاراپا در گجرات از چندین نوع مختلف سنگ مانند سنگ صابون و سنگ آمازونیت استفاده می‌کردند که از منابعی در شمالی‌ترین بخش ایالت گجرات به دست می‌آمد (Law, 2013: 339). در بخش غربی گجرات نیز چهار نوع سنگ عقیق یافت می‌شود. اولی سنگ عقیقی که از دوگونه است: سنگ سفید و نیمه‌شفاف که دوآل نام دارد و رگه‌دار آن، جامو؛ دوم سنگ عقیق نوع خزه‌ای که از تانکارا در نزدیکی موروی، معروف به سوابعی<sup>۱</sup> و فتاک<sup>۲</sup> است. سومین نوع آن، کپادوانج<sup>۳</sup> است که از بستر رودخانه ماجام تهیه می‌شود (Rangiya, 2019: 15). دره رود سند از دیرباز بعنوان منبع سنگ‌های نیمه‌قیمتی بوده که در نتیجه فعالیت‌های آتشفشانی در روزگاران کهن، مواد معدنی به‌مرور تشکیل و به سنگ‌های قیمتی تبدیل کرده است. ثروتی که با ساختن مهره‌های از جنس سنگ عقیق از دوران ۴۰۰۰ پیش از میلاد وجود ۱۲۷ داشته است. از تمدن هاراپا سنگ‌های نیمه‌قیمتی برای ساخت مهره‌ها و به خلیج فارس ارسال می‌شده که از محوطه خمبات نیز این سنگ‌ها یافت شده است. این سنگ‌های عقیق بوسیله بندر لاتال به مناطق بین‌النهرین حمل می‌شده است (Francis, 2000: 49). مهره‌های عقیق کارنلیان که در ابوطبیرا<sup>۴</sup> یافت شده (۲۳۰۰-۲۲۰۰ ق.م)، از دره رود سند به بندرهای سومری (با قدمت بیش از ۴۰۰۰ سال) ارسال می‌شده است. شواهدی مبنی بر تجارت دوردست از دره رود سند به عراق پیدا شده است. مهره‌های اکدی از جنس سنگ عقیق کارنلیان به قدمت ۲۳۰۰ پیش از میلاد یافت شده است. عراق یکی از قدیمی‌ترین بندرهای شهر سومری در ابوطبیرا<sup>۵</sup> بوده است. بقایای بندر در محل باستانی ابوطبیرا واقع در ذی‌قار<sup>۶</sup>، استان جنوبی عراق یافت شد. امروز، ابوطبیرا یک مکان کویری است، شاید در زمان‌های قدیم این شهر در کنار دریا بوده است. مردم سومر در ابتدا کشاورز بودند، اما با پیدا شدن مدارک مبنی بر بندر تجاری (جنوب عراق کنونی)، شاید در تجارت

<sup>1</sup> Suabhaji

<sup>2</sup> Phatak

<sup>3</sup> Kapadvanj

<sup>4</sup> Abutbeirah

<sup>5</sup> Abu-Tabira

<sup>6</sup> Dhi Qar

دریایی نیز نقش داشته‌اند. مهره‌های سنگ عقیق کارنلیان، از دره رود سند به همراه اشیاء تزئینی دیگر وارد بین‌النهرین می‌شده تا به دست مصرف‌کنندگان آن زمان، یعنی: پادشاهان و کاهنان معابد برسد.

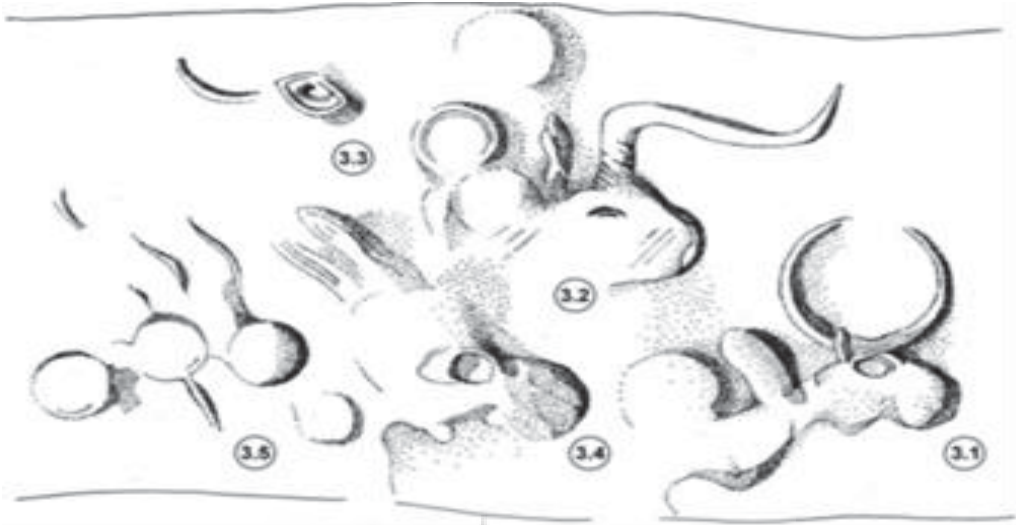
## ۲- فلات ایران بعنوان نقش واسط در خاور نزدیک

تمدن‌های اصیل پس از رشد و شکوفایی به نوبه خود فرهنگ‌های مستند پیرامون خود را بارور نموده‌اند که بدون شک یکی از راه‌های تاثیرگذاری، تجارت است، آن هم تجارت در مسیرهای طولانی که مواد خام و شاید مصنوعات فرهنگ‌های پیشرفته اقماری را برای مراکز تمدنی به ارمغان می‌آورد، و در عین حال برخی دستاوردهای تمدن را از مراکز آن در عرصه وسیع‌تری می‌گستراند. بنابراین تجارت نقش مهمی در انتشار صورت‌های برعهده داشته و عنصری مهم در اقتصاد جوامع بوده است. تجارت در مسیرهای طولانی نیاز به راه‌های امن و مطمئن بود. سه راه اصلی که حمل و نقل در آن صورت می‌گرفت مسیر جاده بزرگ خراسان، جاده جنوبی و راه دریایی بود که دره‌ی رود سند را به فلات ایران و بین‌النهرین متصل می‌کرد، و بازرگانان از این مسیرها برای دادوستد خود استفاده می‌کردند. مسیرهایی که از فلات ایران می‌گذشت باعث پررنگ‌تر شدن محوطه‌هایی که بر سر این راه‌ها بودند، شد. محوطه‌هایی مانند: جیرفت، شهر سوخته، شهداد، تل ملیان، تپه یحیی و ...

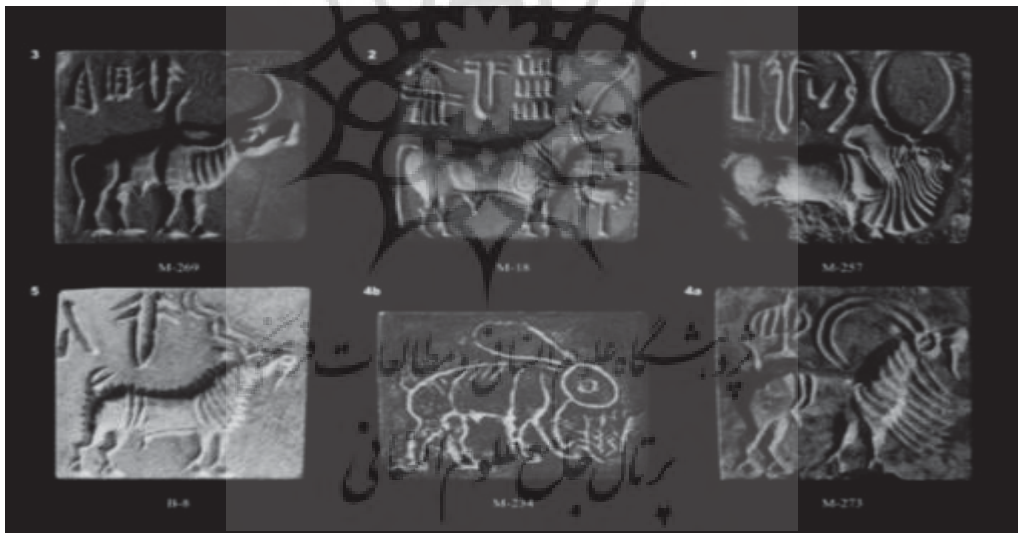
۱۲۸

حوزه فرهنگی هلیل‌رود بعنوان یکی از مراکز تمدنی شرق باستان، از اوایل هزاره سوم پیش از میلاد بخش مهمی از نیازهای کارگاه‌های صنعتی - کشاورزی، معابد و کاخ‌های سلطنتی شرق باستان را به شکل کالاهای تولید شده صادراتی و یا مواد خام اولیه تأمین می‌کرده و در شکل‌گیری فرهنگ‌ها و ایجاد تمدن‌های غنی دو عامل اساسی نقش داشته است که یکی از آن قرارگیری در مسیر ارتباطات تجاری بود که منجر به تکوین، گسترش و پیشرفت فرهنگ‌ها و تمدن‌های باستانی در این منطقه گردیده است. انواع سنگ‌هایی که از آنها به منظور ساخت ظروف و تزئین اشیاء و آثار استفاده می‌شده است می‌توان به سنگ‌هایی نظیر مرمر، فیروزه، عقیق و لاجورد اشاره کرد. بخش دیگری از آثار سنگی جیرفت از جنس مرمر هستند. ظروف سنگ مرمری بین‌النهرین، ایران و آسیای میانه توسط کاسانوا، پژوهشگر فرانسوی، مورد مطالعه قرار گرفته است. ظروف و اشیاء سنگ مرمری در حوزه فرهنگی جنوب شرقی ایران در مناطقی همچون شهداد، تپه یحیی و شهر سوخته به مقدار قابل توجهی به دست آمده‌اند. باتوجه به تنوع و گستردگی این آثار می‌توان گفت از جمله آثار مهم در تولیدات سنگی منطقه محسوب می‌شوند. سنگ فیروزه، سنگ عقیق و سنگ لاجورد نیز در منطقه جنوب شرقی ایران از کاربرد فراوانی برخوردار بوده‌اند، که از آن جمله می‌توان به ساخت مهرها، مهره‌ها، ترصیع ظروف سنگی، ساخت پیکره‌های جانوری و صفحات مشبک اشاره کرد. تمدن جیرفت یکی از مهمترین مراکز تولید و صادرات اشیاء سنگی در دنیای باستان بود، بنحویکه نمونه‌هایی از آثار این تمدن در سرزمین‌های

دوردستی همچون سومر در بین‌النهرین، افغانستان و پاکستان به دست آمده که صادرات این کالاها را از جیرفت به آن سرزمین‌ها به اثبات می‌رساند. سنگ صابون‌های پیدا شده از محوطه جیرفت از بسیار جهات با تصاویر روی اجسام با دره‌ی رود سند دارای شباهت است. ارتباط میان فرهنگ‌های شرقی ایران، بین‌النهرین و دورتر به سمت غرب تولید اشیاء و ظروف از سنگ صابون در کارگاه‌های صنعتی مراکز شناخته شده‌ای همچون تپه یحیی و توزیع آن در سرتاسر منطقه بوده است. اشیاء ساخته شده از سنگ صابون، مهره‌های ساده کوچک تا کاسه‌های تزیینی، در سرتاسر دنیای باستان از موهنجودارو مرکز مشهور تمدن هاراپا در دره‌ی رود سند تا ماری -بخش میانی رود فرات در بین‌النهرین- در منطقه‌ای بطور تقریبی ۲۵۰۰ کیلومتر پراکنده شده بود. شناخته شده‌ترین این نوع ظروف سنگی در بین‌النهرین کاسه استوانه‌ای سنگ صابونی منقوش از خفاجه در دره دیپاله است، که در تزیین آن دو گاو نر کوهاندار پشت به هم نشسته و دو رشته آب به دست دارد. خاستگاه گاو نر کوهاندار سرزمین‌های دره‌ی رود سند و در هنر آن بطور کامل بارز است و ایران بعنوان نقش واسط میان دو تمدن شرق و غرب، شاید این نقش را از دره‌ی رود سند دریافت و سپس به تمدن بین‌النهرین انتقال داده باشد. شرق ایران در تپه یحیی ظروف سنگ صابونی با نقش گاو نر کوهاندار حکاکی شده است. در بین‌النهرین نیز چنین ظروفی با جنس سنگ صابون یافت شده‌اند، ما می‌دانیم بین‌النهرین فاقد سنگ صابون است، حال آنکه در شعاع بیست و پنج کیلومتری تپه یحیی چهار محل برای استخراج سنگ صابون شناسایی شده است. افزون بر این تعداد زیادی کاسه و مهره از سنگ صابون در تپه یحیی یافت شده ۱۲۹ است. مهری که در کنار صندل جیرفت یافت شد، از لحاظ سبک و نوع حیوانات بکار رفته بسیار شبیه به تصاویر مهره‌های دره‌ی رود سند است. تکنیک ترکیب حیوان چندسر که در بیشتر مهره‌های دره‌ی رود سند دیده می‌شود، در مهرسازی کنار صندل جیرفت نیز استفاده شده است. مثال‌هایی از مهر دره‌ی رود سند با سرهای موجودات مختلف (یک گاو، یک تک‌شاخ و یک بزکوهی) که از بدن یک حیوان بیرون زده است.



تصویر ۴) مهر سیلندری از کُتار صندل جیرفت (Vidale and Frenzb, 2015: 147).



۱۳۰

تصویر ۵) مهرهای دره‌ی رود سند (Vidalea and Frenzb, 2015: 148).

مهرهای کتار صندل جیرفت با دیگر مهرهای پیدا شده در عمان شبیه به هم بوده که نشان تعاملات فرهنگی شرق شرق عربستان ایران در نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد را نشان می‌دهد (Vidalea and Frenzb, 2015: 144-154). در دوره IV محوطه تپه یحیی اشیاء و آثار فراوانی به دست آمده که ارتباط این محوطه

را با محوطه‌های بین‌النهرین در دوره اوروک متأخر و جم‌دت‌نصر، شوش C، ابلیس V و VI، سیلک IV، بمپور IV-I، شهر سوخته I، خوراب و گورستان I شه‌داد نشان می‌دهد، در میان آنها اشیاء گوناگون مهرهای سیلندری، مهرهای تزئینی با نقوش هندسی و کاسه‌های سنگ صابونی یافت می‌شود. مهرهای نوع خلیج‌فارس نمایانگر ارتباط یحیی IV با محوطه‌های باستانی خلیج‌فارس است. به نظر می‌رسد که در این زمان تجارت گسترده‌ای در منطقه جنوب شرق ایران برقرار بوده است (عباس‌نژاد، ۱۳۷۲: ۸۸). برای تولید اشیاء سنگ صابونی و صدور آن به سراسر منطقه، کاسه‌های سنگی در تمام محوطه باستانی بین‌النهرین مربوط به دوره‌های دوم و سوم سلسله‌های قدیم و همچنین جزایر خلیج‌فارس و موهنجودارو نیز به دست آمده است. طرح‌ها و موضوعات سنگ‌کاری شده بر سطح این ظروف سنگی در همه مناطق کمابیش یکسان و هم‌مانند بوده است (آسکالونه، ۱۳۹۴: ۶۲).

به نظر می‌رسد شه‌داد در گسترش راه‌ها و شبکه‌های تجاری نقش مهمی داشته و همچون راه جانشین جاده بزرگ خراسان، استان‌ها و مناطق شمالی را تا مشهد به یکدیگر متصل می‌کرده است (آسکالویه، ۱۳۹۴: ۶۸؛ Meier and Vidale, 2013: 1-9). وجود صنایع فلزگری، سفالگری، صنعت سنگ صابون، سنگ مرمر، سنگ لاجورد، سنگ عقیق و سنگ فیروزه نشان‌دهنده غنای آثار به دست آمده از شه‌داد است. بنابراین در همان دوره آغاز ایلام متأخر که ایلامی‌ها نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را به طرف نواحی شرقی فلات ایران گسترش

داده و نقش یک واسطه را میان دره رود سند و مراکز شرق ایران باید با بین‌النهرین برعهده داشتند، شه‌داد ۱۳۱ نیز در این میان نقش خود را بعنوان یک واسطه به جهت قرار گرفتن در کنار جاده‌ای که از افغانستان و غرب آسیای مرکزی را به غرب و جنوب فلات ایران متصل می‌کرد، به خوبی ایفا می‌کرد. با استفاده از این موقعیت شه‌داد می‌توانست یا به صورت یکی از واسطه‌ها عمل کند یا درص‌دی از کالاهای مورد مبادله را بعنوان حق عبور از کاروانیان دریافت دارد. بدون شک بخشی از درآمدی که از این معامله نصیب شه‌داد می‌شد سنگ لاجورد بوده است. از قبرستان شه‌داد مقدار زیادی ظروف از سنگ صابون، لاجورد، فیروزه و به‌ویژه سنگ عقیق در اشکال گوناگون چون دستبند و گردنبند به دست آمده است (مجیدزاده، ۱۳۹۲: ۱۵۴-۱۵۱). شهر سوخته که در نزدیکی مهم‌ترین جریان آبی منطقه و بر سر راه ارتباطی بین فلات ایران و دشت سند، افغانستان و ترکمنستان واقع شده، از موقعیت جغرافیایی خود برای گسترش اقتصادی، براساس تجارت با راه‌های دور که مراکز مختلف فلات ایران را به سرزمین‌های دورتر آسیای متصل می‌کرد، به بهترین وجه استفاده کرده است. شهر سوخته، به شکل صافی ارتباطی میان کرانه‌های گدروزیا و مناطق شمالی و گذرگاهی اجباری برای رسیدن به آسیای مرکزی عمل می‌کرده و از سویی پایانه راه‌های ارتباطی شهرهای بخش‌های جنوبی فلات ایران نیز بوده است. در حقیقت محل و نقطه تلاقی راه‌های فلات ایران، و گذرگاهی بنیادی برای آغاز راه‌های

ارتباطی جدید به سوی شرق و مناطقی که منابع سنگ‌های نیمه‌قیمتی یا قیمتی برای مردم ایلام و بین‌النهرین به شمار می‌رفت (آسکالونه، ۱۳۹۴: ۸۹-۹۰). سنگ‌هایی چون سنگ لاجورد، فیروزه و عقیق در این محوطه شناسایی شده است (Tosi, 1976: 81-92). اشیاء منقول پیدا شده در شهر سوخته بسیار متنوع هستند. انواع پیکرک‌های کوچک سنگی انسان و جانوران، ظروف مرمری، دسته‌های سنگی و سنگ‌های آسیاب دیده می‌شود. اشیاء زینتی بیشتر با سنگ‌های نیمه‌قیمتی وارداتی مانند سنگ لاجورد، سنگ عقیق و سنگ فیروزه که از معادن دوردست وارد و ساخته شده‌اند. صنعتگران این سنگ‌های نیمه‌قیمتی - بویژه سنگ لاجورد- را پس از ورود به شهر سوخته تراش می‌دادند و به شکل اشیاء زینتی در می‌آوردند و سپس برای صدور به سرزمین‌های دوردست آن سوی خلیج فارس و بین‌النهرین به ایستگاه‌های مبادلاتی مستقر در فاصله بین این سرزمین‌ها می‌فرستادند. از سنگ‌های مرمری، بازالت و آهکی برای ابزارسازی، مهره‌سازی و نیز ساخت ظروف گوناگون استفاده می‌شد (آسکالونه، ۱۳۹۴: ۲۲۸-۲۲۵).

### ۳- تجارت دره‌ی رود سند با بین‌النهرین

عدم دسترسی به منابع مناطق بلند به شدت برای مناطق پست مشکل‌آفرین بود. شاید نادر بودن سنگ عقیق و نبود سنگ لاجورد در دوره جمدت‌نصر نتیجه چنین محدودیتی در دسترسی بوده است و کاهش میزان سنگ لاجورد در دوران سلسله‌های اولیه نیز می‌تواند موید این باشد. با این حال سومری‌ها قادر نبودند تا حکومت پروتویلامی را که بر جاده جنوبی تسلط داشتند و حق گمرکی بالایی از بین‌النهرینی‌ها دریافت می‌کردند و یا مهاجمان یانیقی را که مسیر تجاری قدیمی شمال (جاده بزرگ خراسان) را بسته بودند، تحت انقیاد درآوردند. آنها همچنین در حدود ۳۱۰۰ پیش از میلاد، کنترل خود بر مناطق شمالی بین‌النهرین را نیز از دست دادند. اما بزودی تجارت و حمل و نقل دریایی مشکل‌گشای سومری‌ها شد. خیلی زود سومری‌ها تا دره‌ی رود سند رفتند. حال دیگر تجار بین‌النهرینی می‌توانستند کل مناطق تحت نفوذ آغاز ایلامی‌ها را دور بزنند و بطور مستقیم یا غیرمستقیم با منابع جدید یا قدیم ارتفاعات ارتباط داشته باشند. شواهد خوبی وجود دارد که چنین اتفاقی روی داده است. برقراری مجدد روابط فرهنگی شوش و بین‌النهرین و افزایش انزوای ملیان که در توسعه سنت سفالگری بومی بانس جدید دیده می‌شود، نشان می‌دهد که چنین تغییری روی داده است. هرمان نشان داده که میزان سنگ لاجورد در بین‌النهرین در طی سلسله قدیم II تا III افزایش یافته، و جانسون افزایش واضحی هم در میزان و هم تنوع مواد وارداتی در خانه‌های شخصی محوطه‌های دیاله میان سلسله قدیم I و III یافته است. مواد هیچیک از دوره‌های پیشین را نمی‌توان با میزان سنگ لاجورد و فلزات گرانبها از گورستان سلطنتی سلسله قدیم III در اور مقایسه کرد و این در حالی است که قبرستان A در کیش در همان زمان بسیار رایج بود (Alden, 2013: 207-232).

آغاز تجارت دریایی با دره‌ی رود سند از طریق خلیج فارس، در اواخر هزاره سوم پیش از میلاد نشان‌دهنده جابجایی تجارت از راه‌های خشکی شمالی به منطقه کرانه‌های جنوبی خلیج فارس است. پیدایش گروه‌های نژادی تازه در شمال ایران و در پی آن توقف و وقفه در رفت‌وآمد تجاری از طریق شمال می‌تواند یکی از دلایل این جابجایی مرکز رفت‌وآمد و مبادلات از شمال به جنوب باشد. ترک استقرارگاه‌ها در شمال بلوچستان و گسترش فرهنگ هاراپایی در امتداد کرانه‌های دریای عمان به سوی جنوب شرقی هندوستان و به سوی غرب تا مرزهای ایران، وجود چنین امکانی تقویت می‌شود (مغول، ۱۳۶۹: ۲۶-۲۵). از مدارک باستانی می‌توان به تعدادی از مهرهای دره‌ی رود سند ساخته شده از جنس سنگ که در سال ۱۹۳۲ میلادی در محوطه‌های اور، تل اسمر، کیش و اوما (لاگاش) پیدا شده‌اند. نقش گاو نر (تک شاخ) با آخور و خطوط تصویری در این مهرها که متعلق به زمان حکومت سارگون در بین‌النهرین و دوره‌های بعد هستند، وجه مشخصه فرهنگ‌های هاراپایی است، با این حال به خاطر شکل‌های دایره‌ای و چهارگوش و نیز حضور نقوش غیرهاراپایی در روی این مهرها تصور می‌رفت که آنها را در مراکز مبادلات تجاری که با شرق و غرب در ارتباط بودند، ساخته شده باشند (مغول، ۱۳۶۹: ۲۸-۲۷). منطقه دره‌ی رود سند منابع طبیعی فراوان دارد مانند سنگ‌های قیمتی، سنگ معدن مس از راجستان و برخی از منابع باید از دورتر بدست می‌آورند و به سمت غرب این منابع از جمله فلات ایران، ترکمنستان، عمان، بین‌النهرین، و شاید جنوب دره‌ی رود سند صادر می‌شد. تأسیس یک شهر

هاراپا در شورتوتجی<sup>۱</sup> در شمال افغانستان، حضور بازرگانان دره‌ی رود سند در جنوب بین‌النهرین و اهمیت ۱۳۳ مواد دره‌ی رود سند در شهرک‌های خلیج، نشان می‌دهد اهمیت این تجارت و نقش فعال آنها در تجارت با مناطق دور است. با این حال، شواهد شگفت‌آوری از تجارت در محوطه‌های تمدن دره‌ی رود سند می‌توان یافت. سیستم استاندارد وزن و اندازه‌گیری، استفاده شده در سرتاسر دره‌ی رود سند از سنگ مانند چرت، به شکل کوبیک، جاسپر یا وزن سنگ آهک خوب ساخته شده‌اند. مجموعه‌ای از وزن هاراپا ساخته شده از سنگ چرت کوچک یافت شده از الله دینو<sup>۲</sup> و وزن‌های بین‌النهرین بطور مرتب در زمینه‌های اداری از وزن‌های دره‌ی رود سند استفاده می‌کردند. این اسناد اداری فراوان که باقی مانده‌اند، به وزن‌ها از کالاهای دریافت شده یا صادر شده، در پرداخت مالیات یا پرداخت هزینه و یا پرداخت برای خدمات و در تجارت رسمی اشاره دارند (Mcintosh, 2008: 148-152). کالاهایی که در شهر تنظیم شده و هزینه‌ها را جمع‌آوری می‌کردند وجود یک سیستم وزن استاندارد در سراسر منطقه هندوستان مستلزم کنترل رسمی و مقررات استاندارد کالاها

<sup>۱</sup> (Shortughai) مکان تجارتي در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد.

<sup>۲</sup> (Allahdino) روستای کوچک متعلق به دوره هاراپا، که در ۴۰ کیلومتری شرق کراچی واقع شده است.

می‌دانند (Mcintosh, 2008: 147-203). تعداد قابل توجهی از وزن‌های هاراپا مورد بررسی قرار گرفته که هرکدام از آنها در سیستم اداری تعریف شده بودند (Wheeler, 1968: 83).

#### ۴- اشیاء ساخته شده از سنگ‌های نیمه‌قیمتی

کمبود مواد خام در سومر که شهرهای آن را می‌داشت در هر جایی در جستجوی سنگ باشند، سرانجام می‌توانست برخلاف جنگ‌های متناوب، با کوشش جمعی چندین شهر بنحوی مطلوب این جستجو را تحقق بخشد، و برای جمع‌آوری، تولید و توزیع کالاهای مورد نیازشان آنان را به همکاری دوجانبه وا دارد. توجه کامل و وظیفه تحصیل مواد خام از خارج موجب تماس مداوم با کشورهای آن سوی کوه‌ها گردیده است. پیش‌تر در شهرهای دوره اوروک به شواهد فراوانی از اقلام وارداتی چون سنگ آهک، سنگ سیاه و سنگ لاجورد که همگی از ایران به دست می‌آمده است برمی‌خوریم. در ادبیات عصر پهلوانی سابقه‌ای از یک مناظره بین یکی از شاهان سومر و فرمانروای شهری در کوهستان‌های ایران بوده است درمی‌یابیم، این داستان بطور کامل روشن می‌سازد که ایرانیان به تجارت سنگ‌های نیمه‌قیمتی در مقابل گندم و جوی سومریان می‌پرداخته‌اند و گاه به علت عدم موفقیت در مذاکرات تجاری برای رسیدن به نتیجه مورد قبول طرفین نزاعی خطرناک به وجود می‌آمده است (مالووان، ۱۳۷۲: ۱۳-۷). از صادرات بین‌النهرین می‌توان به دست‌ساخته‌هایی در ۱۳۴ سرزمین‌های خارجی گرچه محدود- اما بیانگر الگوی تجاری هستند، اشاره کرد. مدارک مربوط به فلات ایران، پیکره سالمی از گورستان شهداد چند ویژگی سومری دارد. مدارک دره رود سند نیز کم است، اما چند قطعه سنگ صابون در لایه‌های زیرین موهنجودارو یافت شده‌اند که تزیناتی به سبک میان‌فرهنگی دارند (کرافورد، ۱۳۸۷: ۲۰۲). تجارت خارجی در اواسط هزاره سوم پیش از میلاد یک دوره بسیار پیچیده بوده که شامل گردش کالاهای کامل مواد خام و تولیدات اصلی می‌شده و شاید هم توسط نمایندگان دولت و هم شرکت‌های خصوصی اداره می‌شده است. در ابتدا برای ثبت دادوستد، بازرگانان از بولاها که از جنس گل بودند و در میان آنها یک شیء به نام توکن یا کالانشان‌ها قرار می‌دادند- این توکن‌ها از جنس سنگ بودند- استفاده می‌کردند. کالانشان‌ها که نخستین وسیله برای ثبت اعداد و محاسبه امور اقتصادی در خاور نزدیک به وجود آمده‌اند (حصاری و اکبری، ۱۳۸۳: ۲۹-۲۸). جنس اکثر مهرهای پادشاهان، کاهنان معابد و بازرگانان از سنگ‌های عقیق، لاجورد، فیروزه، سنگ آهک و مرمر ساخته می‌شدند. استفاده از مهرهای حکاکی شده به نظر می‌رسد که محدود شده به قسمت کوچکی از جمعیت که شامل تجار یا رئیس سیاسی می‌شد و در بعضی موارد شاید نخبگان مذهبی را هم می‌توان برشمرد. نقش جانوران تک‌شاخ روی مهرها یک نماد بسیار عمومی به حساب می‌آید. این مهرها نشان دهنده سلسله مراتب در داخل تجار و بازرگانان است و ممکن است باعث شناسایی آنها و حتی صاحب‌منصبان اداری و طبقات گوناگون شود (نگهبان، ۱۳۷۲: ۴۷۴). با پیدایش مهرهای استوانه‌ای



کاربرد مهرهای مسطح بطور کامل منسوخ شد. مهرهای استوانه‌ای که از انواع مواد از جمله سنگ‌های گوناگون ساخته می‌شدند، مشخص‌ترین محصول هنری در تمام منطقه خاور نزدیک باستان را تشکیل می‌دهند (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۲۶). از محوطه‌های دره رود سند تعداد زیادی مهر با اشکال مختلف پیدا شده است. یکی از شاخص‌ترین نشانه‌ها از شهرک‌های پاکستان علامت مهر مربع است. برحسب معمول از سنگ صابون و با مته سخت ساخته می‌شده، هر مهر و موم کتیبه، کوتاه، و یک تصویر برحسب معمول یک حیوان تنها دیده می‌شود. میان کارگران انبار تعداد محدودی از افراد سواد داشتند. مهر و موم در زمینه تجارت و کالاها به دو روش مورد استفاده قرار داشتند:

۱- مهر و موم به سادگی بعنوان نشانه و ایجاد هویت و یا اعتبار یک فرد عمل می‌کند. در این زمینه مهر و موم ممکن است بعنوان سند اعتبار به مسافرانی که سفر می‌کنند صادر شود، در کسب و کار رسمی و سایر افراد که نیاز به نشان دادن قدرت خود را دارند یا اعتبار خود را اثبات کنند، در دوران تاریخ، نشانه‌های رسمی مهر و موم بعنوان عبور در یک سیستم کنترل جاده‌ای استفاده می‌شود. مهر و موم بعنوان شناسایی افرادی که از میان مردم عبور و مرور دارند، مشاغل تجاری و تدارک منابع استفاده می‌شود. مهر و موم شخصی همچنین می‌تواند توسط افراد مورد استفاده قرار گیرد تا هویت خود را خصوصی سازند.

۲- مهر و موم بعنوان پلمپ مورد استفاده قرار می‌گرفت. چنین مهر و مومی می‌تواند برای شناسایی بسته‌بندی استفاده شود. کالاها بعنوان اموال دولتی و یا یک فرد خاص و یا بعنوان کالا از یک مکان خاص با مهر و موم ۱۳۵ درهم آمیخته نیز می‌تواند باشد که بعنوان تضمین ایجاب می‌کند، بسته‌بندی مهر و موم نشده باز شده و یا دستکاری شده باشد با قبل از آن به گیرنده در نظر گرفته شده است (Mcintosh, 2008: 152). محوطه‌های بسیاری که لحاظ مطالعات بر روی مهر و موم هاراپا انجام شده است، نه تنها برای رمزگشایی سند، همچنین برای پیدا کردن درک سازمان اجتماعی از مردم دره رود سند براساس اندازه و علامت مهر و موم‌ها، برخی از کتیبه‌های خاص در مهر و موم بزرگتر از اندازه و نقوش هستند شاید منعکس کننده جنبه‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و همچنین مذهبی یا اعتقادات سیستم‌های جامعه هاراپا است. استانداردسازی از اندازه و الگوهای تنظیم از نقوش، شاید بازتاب سلسله مراتب تجاری یا مذهبی صاحبان برای جزئیات مهر و موم هاراپا است. این مهرها در محدوده جغرافیایی خاور نزدیک باستان (شامل کل دشت دره رود سند و مناطق اطراف آن)، بلکه همچنین از تعدادی از محوطه‌های بین‌النهرین، مناطق خلیج فارس، فلات ایران و ترکمنستان دیده شده است. مهر و موم مربع داشتن مالک شخصی، مهر و موم مربع حاوی نقوش و کتیبه‌ها در دو طرف جلو و عقب و دارای علامت گذاری شده است در نتیجه مالک شخصی ندارد. در مهر و موم بیشتر حیوانات سر خود را به سمت چپ قرار داده‌اند، انواع مختلف بزها که براساس شاخ‌هایشان در مهر و موم نشان داده شده‌اند،

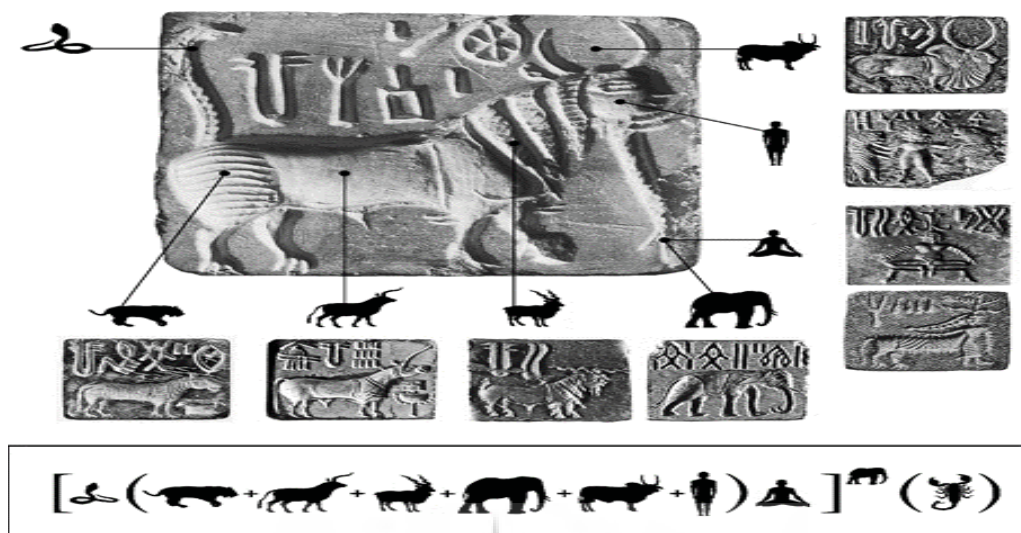
متفاوت هستند، بوفالوها دارای شاخ‌های منحنی طولانی به شکل هلال ماه کشیده شده‌اند. گونه‌ای گاو که بدن آنها به اسب شاخدار شبیه هستند. که یک عود سوز در جلوی این حیوان تک‌شاخ به تصویر کشیده شده است که شاید یک مراسم آئینی را بازگو می‌کند.



۱۳۶

تصویر ۶) مهر و موم هارا با (Ratngar, 1982: 67).

صحنه‌های موجود در این دسته شامل حیوانات خیالی مانند: تک شاخ، حیوانات ترکیبی دارای بخش‌های مختلف حیوانات، حیوانات چند سر (داشتن سه سر از حیوانات مختلف)، ببرهای شاخدار و فیل‌ها. یکی از مهمترین صحنه‌ها به اصطلاح «خدای شاخدار» است، بدن یک شخصیت انسانی با شاخ‌های بزرگ بوفالو بر سر آن است (Ratngar, 1982: 65-95). یک سری از مهرهای کشف شده از تمدن دره رود سند تصاویری از حیوانات مرکب یعنی تصویر از اعضای مختلف جانوران و انسان حک شده بود. تقسیم‌بندی این مهرها که هر یک شاید برای یک نوع کالا دادوستد می‌شد استفاده می‌کردند. حیوانات با ترکیب شاخ بوفالو، خرطوم فیل، چهره انسان، بدن بز، پاهای عقبی ببر و دم به شکل مار وجود دارد.



تصویر ۷) موجود ترکیبی از مهر و موم هاراپا (Frenez and Vidale, 2012: 115).

تمامی این تصاویرهای گوناگون بر روی مهرها حکاکی شده، شاید هر یک برای دادوستد یک نوع کالای خاص مورد استفاده قرار می‌گرفته است. مهرهای تک‌شاخ در اندازه‌های بزرگ و کوچک یافت شده‌اند که شاید سلسله مراتب در میان بازرگانان را نشان می‌دهد. مهرهای بزرگتر تعداد کمی پیدا شده‌اند که شاید متعلق به بازرگانان رده بالایی که موقعیت‌های تجاری قدرتمندی در هاراپا داشتند را دارد. در اکثر مهرهای بازرگانان تصویرها شبیه به هم بود ولی نوشته روی آن بطور کامل متفاوت بودند. بزرگترین مهر بیش از ۴۵ میلیمتر به مهر تک‌شاخ گاو نر کوهاندار تعلق دارد از هاراپا و چانهادرو<sup>۱</sup> یافت شده است. صاحبان این مهر از تجار رده بالایی بودند (Ratngar, 1982: 65-95). مدارکی از بین‌النهرین یافت شده است که بر وجود بازرگانان دره رود سند تأکید دارد. مهری که از محوطه‌های بین‌النهرین پیدا شده، بسیار شبیه به مهرهای تمدن دره رود سند است. تصویر بالا سمت چپ دو نفر هاراپایی که شاید مهر شوی ایلیشو<sup>۲</sup> باشد حکاکی شده‌اند، که در بین حاکم و بازرگان یک مترجم نیز وجود دارد (تصویر ۸). مهری از تصویر گاو نر کوهاندار در حالیکه روی تخت نشسته است و در اطرافش مارها و ماهی‌ها وجود دارند در بین‌النهرین یافت شده است. این نشان‌دهنده این است که گروهی از بازرگانان و تجار دره رود سند به سرزمین بین‌النهرین در هزاره سوم پیش از میلاد برای تجارت در رفت و آمد بودند.

<sup>1</sup> Chanhudaro

<sup>2</sup> Shu-ilishu



تصویر ۸) مهر و موم سیلندر شوی‌یلش، که در بین‌النهرین یافت شده است (www.harappa.com).

کشتی‌هایی که از آن سمت می‌آمدند کالاهای گرانبهایی از جمله سنگ‌های نیمه‌قیمتی مانند: سنگ کارنلیان، سنگ آگات و سنگ لاجورد با خود به بین‌النهرین می‌آوردند. در بین‌النهرین از این سنگ‌ها در اکثر موارد برای ساخت معابد، برای تزئین معبد، ظروف با ارزش و یا مهرهای استوانه‌ای از سنگ کارنلیان، آگات و یا سنگ‌های سبز گارنت که از سمت شرق ایران وارد می‌شدند استفاده می‌کردند (Massimo Vidale, 2004: 261-280). مهرهایی با تصاویر گاو نر کوهاندار در قبرهای اولیه دیلمون در بحرین پیدا شده که نشانه تجارت هستند. در تصویر ۹ قسمت A - یک نمونه مهر با تصویر گاو نر کوهاندار دره‌ی رود سند بدون کتیبه است و در قسمت B - مهری استوانه‌ای از اور با یک گاو نر کوهاندار کوچک و یک ردیف علوفه دیده می‌شود. این تصویر نمونه‌هایی از مهرهای خلیج‌فارس از بحرین در سبک محلی نشان می‌دهد که بازرگانان ابتدا از مهرهای مسطح استفاده می‌کردند. مهر مسطح که متنی به خط دره‌ی رود سند نوشته شده است که این نشان دهنده رابطه دره‌ی رود سند با بحرین است. در ایران محوطه شوش که به تجار دره‌ی رود سند نزدیک بوده است، از روی مهر تصویر گاو نر کوهاندار که به سمت راست و با کتیبه دره‌ی رود سند دیده می‌شود. جنس مهر اغلب استاتیت و یا سنگ‌های دیگر است. اولین مهر خلیج‌فارس بی‌شک توسط بازرگانان برای مصارف تجارت استفاده شده است. مهر خلیج‌فارس از یک جغرافیای وسیع شامل: منطقه بحرین، دره‌ی رود سند (موهنجودارو، چنودارو)، ایران (کرمان، لرستان، شوش، فلات غربی ایران)، کویت (فیلاکا)، بین‌النهرین (اور، گیسو، بابلون)، امارات متحد عربی (تل براک) است که الگوهای توزیع جغرافیایی مهر و موم را داراست. در بین‌النهرین مهری که تصویر یک حیوان با کتیبه هند یافت شده بطور قطع حضور بازرگانان دره‌ی رود سند در بابل و برعکس را

نشان می‌دهد. خط پروتوایلامی در مهری نشان از ارتباط قوی دره‌ی رود سند با غرب ایران را نشان می‌دهد (Terp Laursen, 2010: 96-134).



تصویر ۹) مهرهای خلیج‌فارس از بحرین (Terp Laursen, 2010: 112).

۱۳۹

هنر سومری دوران آغاز نگارش در دوره اوروک به نقطه اوج خود رسید و شهر اوروک به مرکز هنری سومری مبدل شد و نفوذ خویش را بر سرتاسر خاور نزدیک باستان و حتی دره نیل گسترش داد. در این مرحله شکوفایی هنر و تمدن، شاخه‌های تازه‌ای از هنر متجلی گردید. نقوش برجسته یکباره به خدمت تزین ظروف برای مراسم مذهبی درآمد. پیکره‌های سنگی در اکثر موارد جانوران و هرازگاه انسان به احتمال در همین دوره اوروک پدیدار شد. رشته دیگری از هنرهای تجسمی ساختن ظروف به شکل جانوران بود. آنها اعضای گوناگون بدن را از مواد مختلفی از سنگ یا فلز به هم پیوند دادند. معماران دوران آغاز نگارش علاوه بر موفقیت در ساختن بناهای عظیم یادمانی در زمینه تزئین دیوارها نیز به پیشرفت‌های چشمگیری نایل آمدند. در اوروک با ابتکاراتی روبرو هستیم که معماران به کمک آن توانستند زشتی و یکنواختی کسل‌کننده سطح دیوارها و مصالحی را که مجبور به استفاده از آنها بودند پنهان سازند. یکی از این کوشش‌ها کار بست پشتبندهای تزئینی بود که در معبد هفتم اریدو بکار رفته بود و در معبد اصلی D در اوروک در محوطه مقدس آن به اوج خود رسید. این پشتبندها با ایجاد سایه روشن، زیبایی و جلوه خاصی را به سطح دیوارهای بلند و گسترده می‌بخشید. در ساختمان معابد دو شیوه تزئینی وجود داشت که یکی از آن بکار گرفتن تکه‌های سنگ تزئین ستون‌ها و دیوارهای معبد بود. در معبد «T» چشم در تل براک در تزئین لبه بالایی سکوی قربانگاه دو رج سنگ

راستگوشه باریک افقی بکار رفته بود. حد فاصل میان این دو رج نوار باریکی از سنگ مرمر سفید مشخص و دو نوار طلا هر دو رج سنگ را در بالا و پایین محدود می‌کرد (مجیدزاده، ۱۳۹۲: ۱۳). شاهکار مجسمه‌سازی دوران اوروک را می‌توان در سردیس یک زن از سنگ مرمر سفید مشاهده کرد. این سردیس که از حفريات اوروک به دست آمده است، شباهت زیادی به ماسک دارد زیرا تنها نیمه جلوسر، یعنی صورت و گوش‌ها را شامل می‌گردد و در پشت مسطح است. شاید این سر در اصل بر بدنی ساخته از چوب سوار می‌شده و تنها بخش‌هایی از بدن همچون صورت و دست‌ها و به احتمال پاهای در معرض دید بودند، از سنگ ساخته می‌شده و بقیه بدن چوبی زیر لباس پنهان می‌مانده است. بین‌النهرینی‌ها از نظر سنگ در تنگنا بودند و در نتیجه تنها بعضی از اعضای بدن مانند: صورت، پاهای، دست‌ها را از سنگ می‌تراشیدند و بر پیکری از چوب سوار می‌کردند. کاسه چشم‌ها خالی و جای ابروان کنده و اندکی گود شده است و بی‌تردید همچون مجسمه‌های دوران سلسله‌های قدیم جای خالی ابرو را با سنگ لاجورد و چشم‌ها را با صدف برای سفیدی و سنگ لاجورد یا ابسیدین برای مردمک پر می‌کردند. روی سر را در اصل با دو ورقه نازک از طلا یا مس می‌پوشاندند (مجیدزاده، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۷). از مشخص‌ترین آثار هنری سومری‌ها نقوشی است که آنها را با قطعات گوناگون از مواد مختلف می‌ساختند. آنها برای اینکار از سنگ‌های رنگین، بویژه سیاه و سفید و بالاتر از همه از سنگ لاجورد استفاده می‌کردند. همچنین ترکیبی از سنگ با فلز مس (مفرغ)، طلا و نقره بسیار معمول و مرسوم بود. مجسمه‌های موجودات غیرانسانی از هر دو سبک دوران‌های دوم و سوم سلسله‌های قدیم در دست است. بخشی از یک صندلی را به شکل گاومیشی با صورت انسانی از جنس سنگ نشان می‌دهد و یا گاو ریشدار از سنگ سرپنتین یا سنگ مار شفاف ساخته شده است. شواهدی از واردات در محوطه‌های اوروک وجود دارد که در دو تبلت به دست آمده به ذکر انواع کالاهای وارداتی اشاره کرده است که یکی از آنها سنگ‌های نیمه‌قیمتی برای مصارف کاخ‌ها و معابد بوده است (Algaze, 2008: 93).

در آن زمان از فن سنگ‌نشانی در تزئین دیوارها، مبلمان، جعبه‌های چوبی اشیاء بازی و اشیاء تزئینی استفاده می‌شده است. پیروزی در جنگ‌ها تنها محدود به سنگ‌های عظیم یادمانی نبود، بلکه چنان صحنه‌هایی را در مقیاسی کوچک‌تر و از مواردی متفاوت می‌ساختند و در درون ساختمان به نمایش می‌گذارند. در چند محوطه قطعاتی از سنگ آهک و سنگ لاجورد به دست آمده است که آنها را به اشکال گوناگون بریده و در اصل در لابه‌ای از قیر نشانده بودند. نمونه بطور کامل سالمی از این نوع آثار از قبرستان شاهان اور به دست آمد و آن جعبه کوچک راست‌گوشه‌ای است، در این اثر نخست سطح جعبه چوبی را به قیر آغشته‌اند و سپس اشکال ساخته شده از قطعات صدف و سنگ آهک را در آن نشانده و زمینه را با تکه‌های کوچک لاجورد پوشانده‌اند. این جعبه تزئینی به «استاندارد اور» شهرت دارد و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (مجیدزاده، ۱۳۹۲: ۵۶-۵۵). پیکره کوچکی از سنگ مار سبز رنگ که به الهه گشتی نَن اهدا شده است. جنس این سنگ باعث

چشمگیر سبک خوش‌اندامی مجسمه شده است، شانه‌های پهن و کمر باریک و حتی حالات غیرعادی او نسبت به دیگر مجسمه‌های گودا شده است (تصویر ۱۰). در تل براک<sup>۱</sup> معبدی به نام معبد چشم یافت شده است. حاشیه‌ای از طلا و سنگ‌های رنگی در گرداگرد بالای محراب در معبد چشم در براک وجود دارد و در بازسازی رنگ‌آمیزی محراب نشان داده شده که بر روی آن مجسمه چشم یا عینک قرار گرفته علاوه بر براک در دیگر نواحی چون اور، ماری و لاگاش نیز به همین نحو یافت شده است. این مجسمه‌ها از لحاظ اندازه با هم متفاوت، ساخته شده از سنگ و سفال و دارای یک جفت حلقه چشمان باز هستند، و یکی از این مجسمه‌های سنگی نادر موجودی که سومریان نمونه‌ای از بدخواهی و خصومت طبیعت نسبت به انسان را با آن به مجسم نموده‌اند، بطور کامل متفاوت است. در اینجا یک احساس استادی در تراشیدن عضلات محکم و دست و شانه وجود دارد و شاید مربوط به دوره اوروک در حدود ۳۰۰۰-۲۵۰۰ پیش از میلاد است (مالووان، ۱۳۷۲: ۴۶-۴۱).



تصویر ۱۰) مجسمه کوچک گودا، سنگ مار، مجموعه آدولف استوکلیت، بروکسل (Bromiley, 1929: 655).

موجودی فوق طبیعی است، دم و یال این پیکره با خال‌های قرص مانند از سنگ لاجورد نشانده تزئین شده است (مجیدزاده، ۱۳۹۲: ۱۸). طبق سنت و مذهب در سرتاسر هزاره‌های چهارم و سوم پیش از میلاد، جسد همراه با اشیاء تدفینی به خاک سپرده می‌شد که گویا این کار به منظور هرچه راحت‌تر کردن زندگی در جهان دیگر بود: خوراک، لباس، آرایه، ابزار، سلاح و حتی آلات موسیقی و بازی در این میان یافت شده‌اند. در چند

<sup>۱</sup> Tell brak

قطعه از متون سومری به زندگی پس از مرگ اشاره شده است، از جمله در اسطوره فرود اینانا به جهان زیرین که در آن شخص مرده «بی‌بهره از روشنی، خوراکش خاک و غذایش گل» توصیف شده است. آنها در تاریکی خانه دارند و چون پرندگان لباس می‌پوشند. کاوش قبرهای پادشاهان سلطنتی اور توسط لئونارد<sup>۱</sup> وولی انجام شد. اور محل دفن بسیاری از پادشاهان سلطنتی سومری بود. مقبره‌ها حاوی ثروت فراوانی بودند، نقاشی‌های بزرگ باستانی، همراه با جواهرات طلا و نقره، فنجان‌ها که بیشتر از سنگ‌های نیمه‌قیمتی ساخته شده بودند. از گورستان سلطنتی اور اشیاء تدفینی شامل: کاسه‌های سنگی مختلف، زینت‌آلات از جمله مهره‌ها و آویزها، شانزده گور سلطنتی بزرگ که در کنار پادشاهان اجساد همراه با وسایل روزمره آنها دفن شده بود که نشان می‌دهد این افراد قربانی شده بودند. ۷۴ قربانی در اتاق PG1237 که وولی گودال مرگ نام‌گذاری کرد، شامل ۶ مرد و ۶۸ زن بوده‌اند. مردان نزدیک ورودی آرامگاه سلاح داشتند. اشیاء بسیاری نیز با اجساد دفن شده‌اند (sumerianshakespeare.com). بسیاری از اجساد گورهای بخصوص مردان که همراه آنها کمربندی برای نگه داشتن خنجر یا کاردشان داشتند. دسته این خنجرها با سنگ‌ها ترصیع شده بودند (کرافورد، ۱۳۸۷: ۱۵۹-۱۴۴). اشیاء سبک‌های بسیاری دارا بودند از جمله: سبک ساده و اصیل لیوان‌های خیاره‌دار، تا سبک کلاهخود طلایی معروف رژه، سبک ظریف و جذاب نیم‌تاج دوم ملکه پوآبی<sup>۲</sup> که از جنس لاجورد و مزین به پیکره‌های طلایی، ریز جانوران و میوه‌ها بود (کرافورد، ۱۳۸۷: ۱۸۲)؛ و همچنین ملکه رشته‌های گردنبند از آویزهای زرین و سیمین و مهرهای از جنس سنگ عقیق و لاجورد که در آثار گور ملکه پوآبی اور کشف شد (۲۵۰۰ ق.م)، (Noah Kramer, 1963: 183). وسایل بازی‌های تخته‌ای از جمله تخته‌ها و قطعات مربوط به آنها در تعدادی از گورها یافت شد. از جمله نمونه معروفی از گورستان سلطنتی که در آنجا قوانین بازی به تازگی روی لوحی گلی یافت شده است. مهره‌های این تخته بازی از جنس سنگ ساخته شده‌اند (کرافورد، ۱۳۸۷: ۱۶۳).

۱۴۲

### نتیجه‌گیری

سنگ‌های نیمه‌قیمتی در دوران تاریخی مختلف مورد استفاده بسیاری از دولت‌شهرها در خاور نزدیک بوده است؛ از سنگ‌های نیمه‌قیمتی بعنوان اشیاء زینتی و آئینی در مراسم مذهبی یا اجتماعی استفاده می‌شده است. داشتن اشیاء شأن‌زا، نوعی ارزش میان جوامع آن روزگار محسوب می‌شده است. کاهنان معابد و پادشاهان در جغرافیای بین‌النهرین به علت فقدان منابع معدنی، رو به سوی شرق، یعنی فلات ایران و دره‌ی رود سند راه تجارت خود را پیش گرفته و از این طریق زمینه‌های گسترش مسیرهای تجاری را فراهم آورده بودند.

<sup>۱</sup> Leonard Woolley

<sup>۲</sup> Pu-abi



پراکندگی دولت‌شهرهای باستانی در منطقه خاور نزدیک براساس مسیرهای تجاری کاروان‌های بازرگانی که از آنجا عبور می‌کرده‌اند، شکل گرفته است که موجب پدید آمدن تعداد زیادی از محوطه‌های باستانی در کنار جاده‌های اصلی که شاه‌رگ تجارت بوده‌اند، شده است. این کالاها از طریق مسیرهای تجاری از دره‌ی رود سند به سرزمین‌های فلات ایران و بین‌النهرین وارد می‌شده است. دره‌ی رود سند از زمان‌های گذشته بعنوان یکی از غنی‌ترین منابع سنگ‌های نیمه‌قیمتی به شمار می‌آمده و باعث رشد و پیشرفت آن منطقه بوده است. تمدن‌هایی نظیر «هاراپا» و «موهنجودارو» از آن زمان تاکنون، از این سنگ‌های نیمه‌قیمتی بهره‌برداری کرده‌اند. وفور محصولات و سهولت ارتباطات، به ساکنان امکان می‌داد که فرآورده‌های خود را با مواد اولیه، فلزها و سنگ‌های نیمه‌قیمتی مبادله کنند. روابط بازرگانی با آسیای مرکزی، افغانستان، شمال شرقی ایران، جنوب هند و سرزمین‌های مجاور نظیر بلوچستان، راجستان و گجرات برقرار بوده که از رایج‌ترین وسایل زینتی، گردن‌بندها و آویزه‌هایی از سنگ‌های نیمه‌قیمتی بوده است. این سنگ‌ها را به شکل مهرهای استوانه‌ای، مهره‌سازی، ساخت ظروف گوناگون و اشیاء زینتی در می‌آورده و سپس به سرزمین‌های دور دست خلیج فارس و بین‌النهرین، مصر و آناتولی صادر می‌شده است. فلات ایران به علت اینکه یک پل ارتباطی در مسیر تجاری از دره‌ی رود سند به بین‌النهرین در دوران پیش از تاریخ بوده، از این ارتباط سود و ثروت بسیار نصیب فلات ایران می‌شده است. اگرچه کشاورزی در سومر و در تمامی طول تاریخ بشر، منبع اصلی ثروت بوده اما شواهد فراوانی از شکل‌گیری نوعی دیگر از ثروت، به ویژه در این دوره، از طریق تجارت خارجی را شاهد هستیم. ۱۴۳ تجارت در هزاره سوم تا هزاره اول پیش از میلاد میان دولت‌شهرهای دره‌ی رود سند، فلات ایران و بین‌النهرین بصورت گسترده‌ای برقرار بوده است.

## فهرست منابع

### فارسی:

- ۱- ادیب، داریوش (۱۳۹۲)، فرهنگ جامع جواهرشناسی: جهام جواهرات، ج ۲، تهران: انتشارات پازینه.
- ۲- آسکالویه، انریکو (۱۳۹۴)، باستان‌شناسی جوامع ایران باستان (در هزاره سوم پیش از میلاد)، ترجمه: سید منصور سیدسجادی، ج ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ۳- پاتس، دنیل‌تی (۱۳۹۵)، باستان‌شناسی ایلام، مترجم: زهرا باستی، ج ۶، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- حصاری، مرتضی و اکبری، حسن (۱۳۸۳)، «پیدایش نگارش در ایران»، مجله مطالعات ایرانی، س ۳، ش ۶.
- ۵- زادوش، محمد (۱۳۴۸)، کانی‌شناسی در ایران قدیم، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

۶- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۶۷)، «نگاهی به آثار باستانی بلوچستان از آغاز تا اسلام» (۱)، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، س ۲، ش ۴.

۷- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۶۷)، «نگاهی به آثار باستانی بلوچستان از آغاز تا اسلام» (۲)، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، س ۳، ش ۱.

۸- شومان، والتر (۱۳۹۳)، *سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی جهان*، ترجمه: رویا یحیوی، چ ۱، تهران: انتشارات پازینه.

۹- علیزاده، عباس (۱۳۷۲)، «پیچیدگی ساختار اجتماعی - اقتصادی و فن‌مدیریت تجاری در یک جامعه پیش از تاریخ»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، س ۷، ش ۱۴-۱۳.

۱۰- کرافورد، هریت (۱۳۸۷)، *سومر و سومریان*، ترجمه: زهرا باستی، چ ۱، تهران: انتشارات سمت.

۱۱- مالووان، ماکس ادگار لویسن (۱۳۷۲)، *بین‌النهرین و ایران باستان*، ترجمه: رضا مستوفی، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۲- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۰)، «آیا آرْت خاستگاه تمدن سومری؟ مدارک جدید از کناره هلیل رود: استان کرمان»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، س ۱۶، ش ۱.

۱۳- مجیدزاده، یوسف (۱۳۹۲)، *آغاز شهرنشینی در ایران*، چ ۳، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

۱۴- مجیدزاده، یوسف (۱۳۹۲)، *تاریخ و تمدن بین‌النهرین: هنر و معماری*، چ ۳، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۵- مغول، محمدرفیع (۱۳۶۹)، «پیوندهای فرهنگی سند و پنجاب با ایران در دوران پیش از تاریخ»، ترجمه: سیدمنصور سیدسجادی، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، س ۴، ش ۱.

۱۶- نگهبان، عزت‌اله (۱۳۷۲)، *حفاری هفت تپه دشت خوزستان*، چ ۱، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

۱۷- هال، کالی (۱۳۹۲)، *راهنمای مصور و جامع سنگ‌های قیمتی*، ترجمه: محمدحسن عرب اسدی، چ ۳، تهران: نشر پازینه.

لاتین:

18- Algaze, G. (2008). *Ancient Mesopotamia at the Dawn of Civilization: The Evolution of an Urban Landscape*, Chicago: The University of Chicago Press.

19- Francis. P. E (2000). *The Stone Bead Industry of Southern India*, *Journal of the Society of Bead Researchers*, Volume (12), PP. 49-62.

20- Kenoyer J. M (1997). *Trade and Technology of the Indus Valley: New Insights from Harappa, Pakistan*, *World Archaeology*, Vol. 29 (2), pp. 262-280.

21- Law. R. A (2013). *The Important Stone and Metal Resources of Gujarat During The Harappan Period*, *Journal of Multidisciplinary Studies in Archaeology*, Vol (1), pp. 319-343.

- 22- Massimo Vidale (2004). *Growing in a Foreign World for a History of the Meluhha Villages in Mesopotamia in the 3rd Millennium B.C*, Milan: University of Bologna & Isiao, pp. 261-280.
- 23- McIntosh J. R (2008). *The Ancient Indus Valley*, Manufactured in the United States of America.
- 24- Noah Kramer (1963). *The Sumerians: Their History, Culture and Character*, University of Chicago Press, Chicago & London, Printed in the United States of America.
- 25- Rangiya. J.G (2019). *Growth and Development of Agate Industry in Gujarat - A Case Study Of Khambhat, An Inter-Disciplinary National Peer & Double Reviewed E-Journal of Languages, Social Sciences, College, Gandhinagar, Gujarat, India*, pp. 13-26.
- 26- Ratngar S (1982). *Encounters: The Westerly Trade of the Harappa Civilization*, Oxford University Press, Delhi.
- 27- Roach. K. J (2008). *The Elamite Cylinder Seal Corpus, C.3500-1000 B.C in 5 Volumes, Doctor of Philosophy: (Near Eastern) Archaeology*, University of Sydney.
- 28- Terp Laursen (2010). *The Westward Transmission of Indus Valley Sealing Technology: Origin and Development of the 'Gulf Type' Seal and other Administrative Technologies in Early Dilmun, C.2100-2000 B.C, Section for Prehistoric Archaeology, Institute of Anthropology, Archaeology and Linguistics, University of Aarhus & Department of Oriental Archaeology, Moesgaard Museum, Denmark*, pp: 96-134.
- 29- Tosi, M (1976). *The Dating of the Umm An-Nar Culture and a Proposed Sequence for Oman in the Third Millennium B.C.*, *Journal of Oman Studies*, Vol (2), pp. 81-92.
- 30- Vidalea M. Frenezb D (2015). *Indus Components in the Iconography of a White Marble Cylinder Seal from, Konar Sandal South (Kerman, Iran)*, *South Asian Studies*, Vol. 31(1), pp. 144-154.
- 31- Wheeler M (1968). *The Indus Civilization, Third Edition*, Cambridge at University Press, Printed in Great Britain.